



اهمیت و تاریخچه پژوهش درباره صفات قرآن و نام‌های آن



ابوالقاسم عینی پور

قرآن کریم، نوری است که قلوب سیاه و آلوده به سیاهی‌های ظلم‌آفرین انسان را صیقل می‌دهد و روشنی می‌بخشد تا در پرتو آن، حقایق جهان و خلقت شگفت‌انگیز خود را دریابد و از دنیای فرودین حیوانی به قلّه بلند «انسانیت» انسان عروج کند.

قرآن، بشارت و رحمت است که دل‌های نومید و رنجور و دورافتاده از خاستگاه آفرینش را به وجد می‌آورد و شعله ایمان و ایقان را در وجودشان می‌نشانند چنان‌که در کرانه روشن باور و یقین، شفقت و رحمت معبود را ببینند و بدان دل بسپارند. این مرثده قرآنی را انسان تداوم امید و آرزوی وصال می‌داند.

قرآن کریم، انسان را با سرشت حق جوی خود که خدا در نهادش گذارده است، آشنا می‌سازد تا مسیر کمال را بی‌ماید و ارزش حقیقی فراوان رسیدن به مقام «انسانی» خویش را بیابد و از گرایش به آلودگی‌های روحی و معنوی بپرهیزد.

قرآن، فرآمد وحی الهی است که فارغ از هرگونه القای شیطان‌های انسی و جنّی، از موقعیت لاهوتی به دنیای ناسوتی فرود آمده است و بر پیامبر بزرگوار اسلام یعنی محمدبن عبدالله ﷺ نازل شده است تا زمینه تکامل و پیشرفت انسان را فراهم آورد و راه راست را برای بشریت رسم کند و هموار گرداند.

گرچه درونی ژرف دارد که گوهر ذات و کنه صفات آن دور از دسترس عامه است، به گونه‌ای نیست که راه ورود به حقایقش را بسته باشد. خود را از دریچه‌های گوناگونی به عاشقانش می‌نماید.

در درازای تاریخ بربرکت قرآن مجید، بسیاری از اندیشوران و پژوهشگران درگاه پر نعمت آن، به پژوهش درباره این منشور الهی پرداخته‌اند و هر کدام به اندازه استعداد، آن را شناخته‌اند و شناسانده‌اند. گاهی این شناخت، سطحی است و زمانی ژرف و گسترده. کسانی بوده‌اند که آن را عمیقاً مطالعه کرده‌اند و آگاهانه به تفسیر آن روی آورده‌اند. در این راستا، آنچه مانند موضوعات قرآنی دیگر، نیاز به پژوهش ژرف دارد و ضروری می‌نماید، پرداختن به اسامی و صفات قرآن است. این کتاب الهی در آیات بسیار، خود را با اوصاف و نام‌هایی معرفی می‌کند که در آن‌ها، رازهایی نهفته است و هر کدام جلوه‌ای از گوهر ذات و نور صفات این نبشتار جاودانه را به نمایش می‌گذارد. در حقیقت، هر یک جلوه‌ای از ذات باری تعالی است.

قرآن از آن روی که تجلی خداوندی است، بی‌همتاست و دارای اسماء حسنی. خود نیز کلامی است بی‌مانند و دارای نام‌های بی‌همانند. نام‌های آن از این قبیل

قرآن «تبیان» است؛ پند و اندرز است و روشن‌کننده همه چیز است. «تبیاناً لکل شیء» (نحل/۱۶/۸۹). قرآن آینه تمام‌نمای همه چیز است و همه چیز را روشن می‌کند. در این راستا، قرآن را باید برنامه زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی ساخت و نسبت به آن، شناخت راستین پیدا کرد و شایستگی نزدیک شدن بدان را یافت و با آن همنشین گردید و با استوار کردن انس و الفت، آن را در متن زندگی وارد ساخت.

این بخشایش عظیم آسمانی، برای بشر نازل شده تا او را نجات بخشد. به همین سبب، خداوند آن را به زبان بشر نازل کرده است. از این رو، قرآن قابل فهم است و محتوای آن، مقتضای فهم و درک مخاطب آن است. به راستی، زنده است و زندگی بخش. فریاد قرآن بلند است و در کلامش هشدار.

در گفتارش گیرایی موج می‌زند. خود را با بیان بلیغ می‌نماید زیرا بلاغت و فصاحت را در اوج دارد. با زبان همسه کس آشنای خود، پرده از مقصود برمی‌دارد و تیرگی‌ها را می‌زداید و درهای سیاهچال‌ها را به روی روشنی و سپیدی می‌گشاید. از این روی، آن را با همان زبان خودش باید شناخت، آن را با زبان ویژه‌اش بهتر می‌توان شناخت. به ناچار، برای رسیدن به حقیقت معانی و حقایق آن، باید از خودش یاری جست.

است: ذکر، صحیفه، فرقان، قرآن، کتاب، کلام الله، نور... هدایت. این اوصاف برجسته، مرادف هم نیست، بلکه هر کدام کمالی از کمالات آن وحی الهی را بیان می کند.^۱

اسامی و صفات کتاب آسمانی اسلام، نشان دهنده بزرگی و بلندی پایگاه آن است. صدر المتألهین می گوید: بی گمان، بسیار بودن اوصاف و اسامی، بر بزرگی موصوف و مسمی دلالت می کند. مقام بلند کتاب الهی را خدا می داند و بس.^۲

بیان قرآن از خود، با عنوان ها و صفت های گوناگون، به دلیل وجود مناسبت و اعتبار ویژه ای است؛ و این مناسبت، برای نبشتار خداوند عزیز، به خاطر حکم های آن و محتوای آن اسم هاست که با یکی از کمال های حق ارتباط دارد. هر واژه، نام یا صفتی، دارای معنایی است که دیگری آن را ندارد. برای مثال، چون می گوید: هدایت و رحمت است (انعام / ۶/ ۱۵۴، ۱۵۷؛ اعراف / ۷/ ۵۲، ۱۵۴، ۲۰۳؛ یونس / ۵۷/ ۱۰؛ یوسف / ۱۲/ ۱۱۱؛ نحل / ۱۶/ ۶۴؛ نمل / ۲۷/ ۷۷؛ قصص / ۲۸/ ۴۳؛ لقمان / ۳۱/ ۳؛ جاثیه / ۴۵/ ۲۰) یامی گوید «بهبود بخش» یا شفاء است (یونس / ۱۰/ ۵۷؛ اسراء / ۱۷/ ۸۲؛ فصلت / ۴۱/ ۴۴)، این کاربردها، دلیل خاصی را می جوید. این

تناسب یا از رهگذر تأثیری است که بر پیروان خود و کاربرندگان رهنمودهای خود می گذارد، یا به سبب عامل های حاصل از تأسی به قرآن است که به بار می آورد. از این رو، شناخت نام های قرآن و صفت های آن، انسان را بهتر و عمیق تر به درک حقیقت های روح افزای این کتاب جاوید و دارنده رهنمون های جاودانه توانا می سازد و هدف های نزولش را برای بشر نگارگری می کند. قرآن کریم «کلام برترین» است که خداوند، جایگاه و پایگاه آن را در «جهان برتر» در لوح محفوظ (بروج / ۸۵/ ۲۲) و «مام همه نبشتارها» گذارده است: **وَأَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنا لَعَلَى حَكِيمٍ** (زخرف / ۴۳/ ۴).
آنگاه بود که از آن جهان روحانی و مجرد، به این گیتی مادی فرود آمد.

در باره مناسبت متعدد بودن اسم های قرآن می گویند:

با تأمل و تدبیر در نام های کتاب خدا که در جاهای گوناگون مصحف آمده است، می فهمیم که این وصف ها، برای ذات روحانی و مجرد از جسم ها در آن سخن خجسته است و هریک مربوط به مرتبه ای از ذات آن است. همان گونه که انسان، حقیقت یگانه ای است و دارای مرتبت های بسیار است و نام های گوناگون دارد و در هر عالم با نام ویژه ای که شایان مقام تکامل و صعود

مسلمانان از همان صدر اسلام و استوار شدن آن، آیه‌های فرود آمده از خدا بر پیامبرش محمد ﷺ و پیروان وی، با نام «قرآن» شناخته گشت. پیامبر خدا ﷺ از معجزه ماندگارش در بسیاری جای‌ها، با نام «قرآن» سخن می‌گفت. این مطلب در حدیث‌های بازگو شده از آن بزرگوار، آشکار است.

یک بار فرمود: اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن فانه شافع مُشَفَّع. می‌گوید: هر زمان که آشوب‌ها همچون پاره‌های کوه پیکر شبی تاریک بر شما تازش آورند، به قرآن روی آورید و به سوی آن شتایید که قرآن، میانجی پذیرفته‌ای به نزد خداست که میانجی‌گری آن باز پس گردانده نشود.^۴

در بیانی دیگر، وی به جانشین خود علی ﷺ، فرمان گردآوری قرآن را داد و چنین فرمود: یا علی، القرآن خلف فراشی فی المصحف والحریر. یعنی: ای علی، قرآن در مصحف و حریری که در پشت رخت خواب من است، جای دارد.^۵

نیز پیامبر گرامی از این گردآمده‌گرانبهای حیاتی به نام «کتاب الله» یاد کرده است: ائی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی: همانا من در میان شما امتانم، دو یادگار گرانبها به جای می‌گذارم: نبشتار خداوند و رهبران دوازده گانه دینی‌تان که از تبار من اند.^۶

اوست، نامیده می‌شود، همان‌سان، قرآن هم حقیقت یگانه‌ای دارد و از پایگاه‌های فراوان و نام‌های گوناگون برخوردار است که در هر عالم، با نام خاصی که درخور پایگاه و جایگاه ویژه نزول آن است، خوانده می‌شود و توصیف می‌گردد.^۳

بنابراین، روی آوردن به این مهم، ضروری است، تا از این رهگذر، یکی دیگر از بُعدهای قرآن کریم، به گونه‌ی کامل در دسترس شناسایی سراسری جای گیرد.

پیشینه‌های پژوهش و گفت و گو درباره نام‌های قرآن و صفت‌های آن

قرآن کریم، نبشتار آسمانی جاودانه و واپسین پیامبر خداست که در درازای بیست و سه سال به تدریج بر پیامبر گرامی ﷺ نازل گردیده است. این مجموعه وحی که امروزه با نام بلندآوازه آن «قرآن» در نزد مسلمانان گیتی، نامبردار است، در آغاز وحی، چنین عنوانی بر خود نداشت. نخستین بار در سوره «بروج» که بر پایه ترتیب نزول سوره‌ها، بیست و هفتمین سوره قرآن است، به این عنوان شناسانده شد. در آنجا گفته آمد: بل هو قرآن مجید (بروج/ ۸۵/ ۲۱). سپس بارها این عنوان بازگو شد.

گرچه خداوند، از کتاب خویش با عنوان‌های گوناگون یاد می‌کند، نزد

مجال بیش تری برای بهره گیری عمیق از قرآن به دست آوردند و حوزه اندیشوری قرآنی گسترده تر گشت و پژوهشگران در آن دقت بیش تری کردند و تدبیر افزون تری به کار بردند و علوم چندی را از کان بیکران قرآن بیرون کشیدند و معرفی کردند. از کتاب الهی، در زمینه های گوناگون میوه چیدند و جوه متعددی را قایل شدند که شاید بحث نام های قرآن هم زائیده همین جریان و جنبش فکری مسلمانان باشد. از این روی می بینیم که با گذشت روزگاران، عنوان ها و نام های دیگری برای قرآن کریم بیان گردید.

محمدبن جریر طبری (در گذشته سال ۳۱۰ق)، یکی از مفسران بسیار دیرین اهل سنت است که در سده سوم هجری می زیست و در اوایل قرن چهارم درگذشت. وی در تفسیر خود زیر عنوان «گفتار درباره تأویل نام های قرآن»، چهار نام برای قرآن یاد کرده است و توضیح کوتاهی درباره آن ها داده است: قرآن، فرقان، کتاب، ذکر. ۷ در میان دانشوران شیعی، شیخ طوسی (در گذشته ۴۶۰ق) همین چهار عنوان را در تفسیر گرانقدرش برشمرده است. وی به توضیح کوتاهی درباره این ها بسنده کرده است. ۸

یکی دیگر از دانشوران سنی به نام «قاضی شیدله»^۹ از قرن پنجم هجری، اسم های قرآن را به پنجاه و پنج رسانده است که

آنچه از نام های قرآن در صدر اسلام در میان مسلمانان گسترده بوده است، دو نام «قرآن» و «کتاب» را می توان یاد کرد که بی گمان در ستایش قرآن و شناسایی آن و سفارش به اندیشیدن ژرف و گسترده در آن، صفاتی نیز یاد شده است ولی غالباً از دو نام یاد شده بیش تر بهره وری گشته است.

در میان یاران پیامبر خدا ﷺ - به پیروی از وی - همین عنوان ها درباره این کتاب مقدس به کار برده می شد. واژه «مصحف» را که دیرتر شایع گشت، باید بر آن ها افزود. در میان یاران پیامبر و «تابعین»، عنوان های دیگری که در آن روزگار به پژوهش گذاشته شده باشد، به چشم نمی خورد و آنان نیز به یاد کردن «قرآن و کتاب» بسنده می کردند. این قناعت به دلیل سادگی اندیشه آنان بود یا به دلیل احساس نکردن ضرورت شناختن و شناساندن نام های گوناگون قرآن کریم.

یک مطلب را نیز نباید نادیده گرفت چه دانشمندان مسلمان (آنان که بیش تر با قرآن همدم بودند)، برخی واژگان را (در مقام پاسخ به پرسش های افراد) که امروزه از نام های قرآن شمرده می شوند، به قرآن ترجمه کردند و به تفسیر آن پرداختند که بسیاری از تفسیرها، گویای دیدگاه های آنان اند و آن ها را نقل کرده اند.

با گذشت زمان، اندیشوران مسلمان

۶۴۷ق) یاد کرده اند که رساله ای جداگانه در شناخت اسامی و عناوین قرآن تألیف و در آن بیش از نود نام برای قرآن یاد کرده است. ۱۴ البته این اسامی شناسانده نشده اند.

نظام نیشابوری (درگذشته ۸۵۰ق) نیز در میان کسانی است که به یادکردن اسم های قرآن پرداخته گفته است: قرآن را نام های فراوان است. او همان عنوان هایی را بر شمرده که فخرالدین رازی نام برده است. ۱۵

صدرالدین محمدبن ابراهیم بن یحیی قوام الدین شیرازی شناخته با نام «صدرالمتألهین» (درگذشته به سال ۱۰۵۰ق) در کتاب «اسفار» به گفت و گو درباره نام ها و صفت های قرآن می پردازد و پس از توضیحی درباره فرق میان «کتاب» و «کلام» و «فرقان» و «قرآن» حدود سی نام برای قرآن می آورد. ۱۶

آلوسی دانشمند اهل تسنن و مفسر نام آور آن درباره نام های قرآن می گوید: کتاب آسمانی دارای دو عنوان اصلی است و دیگر نام های قرآن، به آن دو نام بازگشت می کنند. وی این رأی را باتوجه به ناشی شدن اسم های خدا از دو صفت جمال و جلال کردگار به میان می آورد. ۱۷

درمیان دانشوران متأخر علوم قرآنی برخی مانند صبحی صالح و زرقانی براین باورند که قرآن را پنج نام است. اینان،

زرکشی و سیوطی آن ها را بی شرح و تفصیل های قاضی شیدله، با اندک اختلافی در آیه های مورد استناد، نقل کرده اند. سپس به اختصار، «وجه تسمیه» ای برای آن ها آورده اند. ۱۰

از دانشمندان شیعی، شیخ طبرسی (درگذشته ۵۴۸ق) در پیشگفتار تفسیرش زیر عنوان «یاد نام های قرآن»، چهار نام پیش گفته را بازگو کرده است و به گفت و گوی لغوی درباره آنها پرداخته است. ۱۱

دیگری از دانشوران شیعه که به این مطلب عنایت کرده، مفسر نامی سده ششم ابوالفتوح رازی است که در مقدمه تفسیر خود چهل و سه نام برای قرآن یاد کرده است و گزارش گونه ای درباره آن عنوان ها یادآور شده است و سپس افزوده است: «قدیم (جلّ جلاله) از عظمت قرآن و کثرت منافع خلق در او، این کتاب را به چند نام شریف بر خواند تا تنبیه باشد خلقان را بر رفعت منزلت و جلالت قدر او» ۱۲.

امام فخرالدین رازی مفسر و متکلم اهل سنت (درگذشته ۶۰۶ق) درباره نام های قرآن مجید می گوید: بدان که نام های قرآن بسیار است... پس از آن چهل نام برای قرآن می آورد و شرح موجزی برای هریک می دهد. ۱۳

از دانشمندی به نام «حرّالی» (درگذشته

شایسته کتاب آسمانی مسلمانان است، قرآن است. ۲۰

از همه دیدگاه های گفته درباره نام های قرآن، می توان به این پیامد رسید:

این ناهمخوانی در اعلام اسم های قرآن، بیانگر این است که در گزینش نام ها و عنوان ها، معیار معینی نیست، بلکه پژوهندگان دانش های قرآنی، بر پایه برداشت های شخصی و سلیقه های فردی در شناخت و بیان اسم های قرآن دچار اختلاف گشته اند. از دلیل های اختلاف آنان در این امر، می توان جدایی نشناسی میان اسم ها و صفت ها را نام برد زیرا بیش تر دانشمندان در این زمینه یافته های خویش را با واژه «نام» برای قرآن یادآور شده اند حال آنکه بسیاری از آن ها صفت های قرآن اند و این مطلب به روشنی در آیه های قرآن کریم دیده می شود. دیگر اینکه در شناخت نام ها یا صفت ها، باید سیاق آیه ها را مدنظر داشت تا مدلول آن اسم ها را به دست آورد. توجه به شأن نزول آیه ها نیز می تواند در بسیاری از جهت ها، این مشکل را سامان بخشد.

افزون بر چهار نام شایع در نزد بیشینه مفسران و دانش پژوهان پیشین، عنوان «تنزیل» را بر آن می افزایند. ۱۸

شادروان دکتر محمود رامیار در تاریخ قرآن، نخستین نام نبشتار خدا را «مُصْحَف» آگهی می کند که پس از رحلت پیامبر گرامی بر آن گذاردند. وی می افزاید: قرآن پیش از این نام، در میان مسلمانان اسمی مشخص نداشت. آنگاه او خود به شمردن عنوان های قرآن می پردازد و آن ها را تا هشتاد و پنج نام بالا می برد. با ژرف نگری در آن اسم ها، روشن می شود که شماری از آن ها بارها با صفت های چندگانه اما نام های بنیادین یگانه گزارش گشته اند. ۱۹

سرانجام باید از دانشمند معاصر آقای دکتر سید محمد باقر حجّتی نام برد که ایشان پس از نقل آرای دیگران در این باره، نظر خود را این گونه بیان می کنند: جز عنوان «قرآن»، عنوان های دیگری برای کتاب آسمانی مسلمانان نمی توان قایل شد زیرا همگی آن ها وصف هایی هستند که قرآن کریم بدان ها توصیف می شود.

او رأی بیشینه مفسران را که برای کتاب آسمانی ما چهار عنوان (قرآن، فرقان، کتاب، ذکر) یاد می کنند، به دلیل اشتراك برخی از آن ها با دیگر کتاب های آسمانی، نادرست می انگارد و می گوید: تنها نامی که

۱. جوادی آملی، عبدالله، پیرامون وحی و رهبری، تهران، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰.

۲. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة، قم، چاپ علمیہ، ۵۰/۷.
۳. همو، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۲ق، ۲۳/۶.
۴. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۳۹۸/۴.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۰۳ق، ۴۸/۸.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۸، باب ۱۲، ص ۱۵۱.
۷. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، عن تأویل آی القرآن، مصر، انتشارات مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۷۳ق، ۲۳/۱.
۸. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۷/۱.
۹. شینله، قاضی ابوالمعالی عزیزبن عبدالملک، درگذشته ۴۹۴ق، فقیه شافعی، نگارنده البرهان فی مشکلات القرآن.
۱۰. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق، ۳۴۳/۱.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، المكتبة الثقافیة، ۱۹۷۴م، ۵۰/۱.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ویراسته هاشم رسولی، ۱۴۰۸ق، ۸۲/۱.
۱۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، ویراسته ابوالحسن شعرانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۹۲ق، ۷/۱.
۱۳. فخرالدین رازی، محمدبن عمر بن حسین، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق، ۱۳/۲.
۱۴. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۳۴۳/۱.
۱۵. نظام نیشابوری، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، مصر، چاپخانه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۸۱ق، ۱۴/۱.
۱۶. صدرالدین شیرازی، اسفار، ۵۰/۷-۵۱.
۱۷. آلوسی، سیدمحمد، روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ۸/۱.
۱۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة، ۸/۱؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۴م، ص ۲۱.
۱۹. رامیار، دکتر محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲خ، صص ۳۱، ۹۱.
۲۰. حجتی، دکتر سیدمحمدباقر، «تحلیلی درباره اسامی و عناوین قرآن کریم»، سخنرانی ها و مقالات، مجموعه یکم، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۷.